

## طرحی برای بهره‌مندی زنان شاغل و بازنشسته از حق عائله‌مندی

رئیس فراکسیون زنان مجلس از تدوین طرحی برای بهره‌مندی زنان مجرد شاغل و بازنشسته از حق عائله‌مندی خبر داد.
فریده اولادقیاد به خبرگزاری «خانه ملت» گفته، این طرح با اصلاح بند۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری عملیاتی می‌شود. در حال حاضر به‌موجب این بند، کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر که دارای همسر هستند، پرداخت می‌شود. به گفته اولادقیاد، در طرح اصلاحی کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد به تمامی کارمندان شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر اعم از زن و مرد تعلق می‌گیرد.

یکشنبه ● ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و چهار

ا
ت
ی
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱



### سه‌م ما در اصلاح امور چیست؟

هنگام مواجهه با هجوم ناامیدی و یأس، یافتن اندک بارقه‌های امید در یک قدمی‌مان هم آسان نیست، چه رسد به آنکه بخواهیم در ذهنمان کنکاش کنیم و از آغاز سال تاکنون دستاوردهای امیدبخشی را از سالی که گذشت بیابیم و بیان کنیم. در چنین آوردگاهی اما، دیدن مدیرانی که هنوز با دستان پُراراده و جبین عرق‌کرده به کار و خدمت مشغول‌اند، اگرچه کمیاب است، اما ارجمند و گرانقدر است و همچون نسیمی گونه‌هایت را می‌نوازد تا به خواب بی‌تفاوتی فرو نروی. بر این باورم که با وجود انباشت مدیران ناامید و خویش‌اندیش می‌توان مصادیقی معدود از چنین مدیرانی را در حوزه رفاه و تامین اجتماعی یافت که آنان مهم‌ترین دارایی‌های نظام رفاه در این سال و سال‌های آتی هستند. آن‌ها اگرچه دستاورد اندیشیده شده نظام رفاهی نیستند، اما نقطه امید و نگهبانان بارقه‌های امیدند در این روزهای دشوار. در سال ۱۳۹۸، برای بهبود وضعیت رفاه اجتماعی کشور چه باید کرد؟ هراندازه پرسشی از دستاوردها دشوار بود، پاسخ به «چه باید کرد» به همان اندازه، ساده است، چراکه مخاطب پاید‌ها همیشه بیرون از ماقار دارد و طبیعی است که برای دیگران نسخه نوشتن، کار ساده‌ای است. به همین دلیل است که در جامعه امروز ما همه از بایدها و نبایدها صحبت می‌کنند، تصور می‌کنم جامعه‌ای که حالش خوب باشد، بایدها و نبایدها در آن چنین رونقی ندارند. در هیاهوی بایدها، مسئولیت فردی فراموش می‌شود و مورد پرسش قرار نمی‌گیرند. در این روزها هرکه را می‌بینیم، از بی‌عملی برخی مسئولان می‌نالد و دیگران را به سهل‌انگاری و چاره‌نپندشی متهم می‌کند؛ از وزیر و اعضای دولت تا کارمندان جزء و کارگران ساده فاقد قدرت؛ همه دارند گلایه می‌کنند، از اامان جمعه تا سلبریتی‌های اینستاگرامی.

در این همه‌مه فریاد و گلایه‌ها، به نظر می‌رسد همه درختان دارند با هم به‌دنبال جنگل می‌گردند و همه افراد در پی آنند تا جامعه را ریابیند، اما هرچه بیشتر کنکاش می‌کنند، ناامیدتر می‌شوند. به نظر می‌رسد بهزیستی و رفاه اجتماعی مردم به ریل منطقی خویش بازنمی‌گردد مگر آنکه از «خود» بیرسیم که چه کسی باید دست به اقدام بزند؟ و آنگاه انگشتمان را نه به سوی دیگران، که به سوی خود نشانه رویم. در فضایی که ابزارهای کلان ناکارآمد شده‌اند، ابزارهای کوچک و پیوندهای اجتماعی خرد، می‌تواند جایگزین کارآمدتری باشد. بنابراین پرسش اساسی در این میان، «چه باید کرد» نیست، بلکه آن است که «سه‌م من از اصلاح و بهبود مردم و جامعه چیست»؟ هرکدام از ما اثرگذارترین فرد در شعاعی هرچند کوچک در اطراف خود هستیم؛ حتی اگر کارمند ساده‌ای هستیم که هرروز با مردمان خسته و ناامید مواجهیم، می‌توانیم صبورانه‌تر، پرکارتر و همدلانه‌تر عمل کنیم؛ باید جامعه از هم گسیخته را دوباره ترمیم کنیم، با گره‌زدن‌های کوچک و رفوگری. تصور می‌کنم در شرایط کنونی در آستانه هنگامه‌ای ناگزیر قرار داریم تا بتوانیم زندگی را دوباره زندگی کنیم؛ گذار از سیاست‌گذاری به مددکاری، گذار از روشنفکری به تسهیل‌گری اجتماعی، گذار از کتابخانه به میدان، گذار از کلان به خرد.

ادامه در صفحه ۲۸

## خبرها و نظره‌ای تامین اجتماعی

خبرها و نظره‌ای تامین اجتماعی

طی ۱۲ ماه گذشته حوزه رفاه کشور چه چالش‌ها و فرصت‌هایی را پشت سر گذاشته است؟

# کارنامه رفاه در سال ۹۷



فراکسیون رفاه

● **حرکت رو به جلو در حوزه رفاه و تامین اجتماعی**

وجود یک نظام تامین اجتماعی چابک و گسترش خدمات رفاهی به باور عموم کارشناسان اقتصادی و صاحب‌نظران اجتماعی، یکی از پایه‌های اساسی حرکت در مسیر توسعه‌پایدار است. موفقیت در حوزه رفاه و تامین اجتماعی البته وابستگی ارگانیکی با موفقیت در سایر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد. به‌طور کلی در پنج‌سال گذشته شاهد موفقیت‌های نسبی در حوزه‌های اقتصاد کلان و خرد هستیم که اثرات نسبی بر گسترش خدمات رفاهی و تامین اجتماعی داشته است. هرچند تا رسیدن به نقطه‌مطلوب هنوز فاصله زیادی باقی مانده است، البته این موضوع با توجه به تلاطم بازارهای مختلف در سال ۱۳۹۷ تا حدی تحت‌تاثیر قرار گرفته است، اما از نگاه اقتصاد کلان با توجه به اینکه روند مثبت و جهت‌گیری‌ها منطقی طراحی شده، با گذر از این موج‌های ناپایدار باز هم می‌توان به حرکت در مسیر وریل مناسب امیدوار بود.

● **روند حمایتی- رفاهی**

در سال ۹۷ که ناپایداری‌های اقتصادی فشارهایی بر مردم، خصوصا جامعه کارگری وارد کرد، روند حمایتی- رفاهی ادامه یافت و بسته‌های حمایتی برای جبران بخشی از این فشارها توزیع شد. بسته‌های نقدی و غیرنقدی که در اختیار بیمه‌شدگان تامین اجتماعی قرار گرفت، همچنین ادامه حمایت از افراد تحت‌پوشش سازمان بهزیستی را می‌توان یکی از نشانه‌های ادامه این روند به‌حساب آورد. از سوی دیگر برنامه‌های رفاهی هم در این حوزه ادامه‌یافت و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان هم در دستور کار قرار گرفت. ادامه روند خدمات‌دهی مطلوب و اجرای پروژه‌های عمرانی در حوزه ایجاد زیرساخت‌های عمرانی هم نشان می‌دهد که با وجود شرایط نامساعد اقتصادی، روند رفاهی- حمایتی در این حوزه همچنان ادامه یافته است. ادامه طرح‌هایی مانند بیمه کشاورزان، عشایر و روستائیان و زنان سرپرست خانوار و... هم نشان می‌دهد این سیاست همچنان در دستور کار است. در راستای تقویت بینه‌های تولیدی به‌عنوان یکی از راهکارهای مهم افزایش رفاه اجتماعی، پرداخت تسهیلات اشتغال فراگیر و اشتغال روستایی در سراسر کشور در دستور کار قرار گرفت. این تسهیلات با جهت‌گیری صحیح برای تقویت توان تولیدی در مناطق روستایی در اختیار بخش مولد جامعه قرار گرفته است و کارشناسان امیدوارند با نه‌مر نشستن طرح‌های اشتغال‌زایی که از طریق دریافت این تسهیلات راه‌اندازی شده، روند مناسبی را در حوزه‌های وابسته رفاهی شاهد باشیم.

● **تلاش در جهت کاهش شکاف هزینه و مزد**

به باور کارشناسان، یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در حوزه تامین اجتماعی و رفاه در جامعه، فاصله میان هزینه و درآمد کارگران است. یکی از دلایل مهم ایجاد چنین شکافی، افزایش سرسام‌آور نرخ تورم در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ از یک‌سو و افزایش پیدا نکردن حقوق و دستمزد نیروی کار نسبت به این تورم از سوی دیگر است.

ادامه در صفحه ۲۸

## تشریح

عدم پیوند نهادی میان سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی موجب شده سرعت و شدت تأثیر سیاست‌های فقرزایی و فرودست‌سازی به‌مراتب بیش از سیاست‌های حمایتی باشد. طی ۱۵ سال اخیر حتی در دوره وفور منابع نیز به‌دلیل فقدان همین پیوند نهادی و سیاست‌گذاری‌های غلط، جمعیت زیر خط فقر مطلق رو

به افزایش بوده است.

بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. البته تامین اعتبارات هم خود یک چالش است. اما این را هم باید در نظر داشت تداوم روند کنونی موجب تعطیلی واحدهای تولیدی خواهد شد، در چنین وضعیتی در سال آینده به سمت چالش‌ها و زبان‌های بزگی خواهیم رفت. این زبان معطوف به سازمان تامین اجتماعی نیز هست. با این اقتصاد و تولید نیمه‌جان، بسیاری از شرکت‌ها قدرت حیات و فعالیت خود را از دست می‌دهند و منابع حوزه تامین اجتماعی هم با مشکل مواجه خواهند شد. یکی از پایه‌های خدمات اجتماعی را با مشکل مواجه خواهد کرد.

● **بی‌ثباتی اقتصادی**

بی‌ثباتی‌های چند ماهه اخیر تا اندازه‌ای منحصربه‌فرد است و وضعیت آنچنان مبهم و سیالی را به‌وجود آورده است که زمینه را برای هر نوع تنش روانی و اجتماعی فراهم کرده است. براساس برآوردهای انجام‌شده در وزارت رفاه در دوره اول تحریم‌های اقتصادی (۹۲-۱۳۹۱) بیش از چهار میلیون نفر به جمعیت زیر خط فقر مطلق افزوده شد و سطح مصرف جامعه بیش از هفت درصد کاهش یافت. براساس برآوردهای فعلی نیز، تداوم وضعیت موجود دست‌کم بیش از ۴/۵ میلیون نفر را به فقر مطلق دچار می‌کند. عدم پیوند نهادی میان سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی موجب شده سرعت و شدت تأثیر سیاست‌های فقرزایی و فرودست‌سازی به‌مراتب بیش از سیاست‌های حمایتی باشد. طی ۱۵ سال اخیر حتی در دوره وفور منابع نیز به‌دلیل فقدان همین پیوند نهادی و سیاست‌گذاری‌های غلط، جمعیت زیر خط فقر مطلق رو به افزایش بوده است. بی‌ثباتی، احساس کنترل نداشتن بر شرایط معیشتی و احساس بی‌عدالتی و تبعیض به‌ویژه در گروه‌های درآمدی متوسط و پایین، انواعی از اضطراب‌ها و فشارهای روانی را نیز در پی دارد. بخشی از جامعه به این احساس می‌رسد که دستاوردهای متناسب با تلاش‌هایشان را ندارند و در نتیجه چنین شوک‌هایی بخشی از دستاوردهای قبلی خود را نیز به یک‌باره از دست می‌دهد. لازم است در کنار سیاست‌های هدفمند و گزینشی برای فقرا و گروه‌های کم‌برخوردار، سیاست‌های همگانی و گسترده به‌ویژه در سه حوزه آموزش، بهداشت و درمان و مسکن را نیز مدنظر قرار داد.

● **فقرزدایی در صدر برنامه‌ها**

اما امیدهایی هم همچنان در این حوزه وجود دارد، یکی از برنامه و شعارهای اعلامی دولت‌های یازدهم و دوازدهم، تلاش برای رفع فقر مطلق بوده است. این امر در بودجه سنواتی مورد توجه قرار گرفت و در بودجه سال ۹۷ به اوج خود رسید و در بودجه سال ۹۸ هم این رویه تداوم یافته است. این روزها رئیس‌جمهور و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از ضرورت ساماندهی بنگاه‌های تحت‌پوشش سازمان تامین اجتماعی هم سخن می‌گویند که خود یکی از نقاط امیدبخش برای سال‌های آتی به‌شمار می‌آید. اصلاحات ساختاری از نگاه بسیاری از کارشناسان در صورتی که مراقبت لازم از نحوه اجرای آن به‌عمل بیاید و از این طریق از ایجاد شوک‌های منفی در اقتصاد جلوگیری شود، می‌تواند امید را در حوزه رفاه در آینده افزایش دهد.

### پیش‌بینی



سال ۱۳۹۷ در روزهای پایانی خود به‌سر می‌برد. سالی پُرچالش برای حوزه رفاه. البته در کنار همه چالش‌هایی که این روزها سر برآورده، امیدواری‌های مهمی هم به آینده وجود دارد. یکی از اساسی‌ترین مواردی که به‌عنوان یکی از نقاط امید برای حوزه رفاه می‌توان روی آن دست گذاشت، «پذیرش مشکلات» است. برخی تئوری‌های اجتماعی معتقدند پذیرش مشکل، خود ۵۰ درصد مسیر حل آن است.

سال‌ها بود در حوزه رفاه و تامین اجتماعی مسئولان حاضر به پذیرش مشکلات این حوزه نبودند. یکی از نقاط قوت دولت‌های یازدهم و دوازدهم، پذیرش و بیان مشکلات است. فقر، عقب‌ماندگی مزدی، چالش صندوق‌های بازنشستگی و... همه در این مدت از سوی مقامات دولتی و از جمله وزرای تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت، بیان شده و البته به موازات آن راهکارهایی هم ارائه و برخی اقدامات هم انجام شده است. اما از سوی دیگر با توجه به شرایط خاصی که در سال ۹۷ اقتصاد کشور با آن دست به گریبان بود، حوزه رفاه اجتماعی هم تحت‌تاثیر قرار گرفته است. در حال حاضر وضعیت معیشتی کارگران و افزایش فاصله دستمزدها و هزینه‌ها از یک‌سو و سخت‌شدن شرایط تولید و تهیدیدهایی که اشتغال موجود را نشانه رفته از سوی دیگر به یک معضل مهم تبدیل شده که نیازمند تدبیر است.

● **صیانت از اشتغال موجود**

یکی از چالش‌های مهم در سال ۹۷، به‌خطر افتادن اشتغال‌های موجود به‌دلیل فشارها و تلاطم‌های اقتصادی خصوصا در نیمه دوم این سال است. در شرایطی که افزایش هزینه‌ها، معیشت کارگران را دچار مشکل کرده است، از سوی دیگر این فشارهای اقتصادی باعث شده بسیاری از کارگاه‌های کوچک و متوسط هم با مشکلاتی مانند تامین مواد اولیه مورد نیاز و سرمایه در گردش مواجه شوند. این مسئله خود عاملی تهدیدکننده برای حفظ اشتغال موجود است. بر کسی پوشیده نیست آسیب به اشتغال موجود می‌تواند به سایر بخش‌های رفاهی از جمله در حوزه تامین اجتماعی هم آسیب بزند. یکی از چالش‌هایی که در سال ۹۷ ایجاد شده و در سال آتی باید به‌صورت جدی برای گذر از آن برنامه‌ریزی کرد، تهدید اشتغال موجود است. از سوی دیگر، تضعیف معیشت کارگران و توقع آنان برای افزایش حقوق خود می‌تواند به یک عامل تشدیدکننده در این حوزه بدل شود. نمی‌توان از کنار این مسئله گذشت، چراکه اگر وضعیت معیشتی کارگران بسانمان نرسد موجب کاهش انگیزه آنان، فراهم کردن زمینه‌های ترک کارهای مولد و در نتیجه تنسلسی از معضلات در حوزه رفاه اجتماعی می‌شود. کاهش قدرت خرید کارگران یکی از چالش‌هایی است که علاوه بر زندگی خود آن‌ها، رونق اقتصادی را هم تهدید می‌کند. در شرایط کنونی، حفظ اشتغال موجود و صیانت از سفره و معیشت کارگران، مهم‌ترین دغدغه است. این موضوع جزء خواسته‌ها و مطالبات ابتدایی به‌شمار می‌آید، اما شرایط کلی اقتصاد به‌گونه‌ای رقم خورده که برآورده کردن این خواسته‌ها را دچار پیچیدگی‌هایی کرده است. دستمزد کارگران اختلاف فاحشی با سبد معیشت‌شان دارد. به همین نسبت، فاصله دستمزد با خط فقر زیاد است، بنابراین جای سوال دارد که شرکای اجتماعی در شورای عالی کار چه تصمیمی خواهند گرفت که نتیجه‌ای در راستای جبران فقر در بر داشته باشد.

● **زبان‌هایی در کمین**

اکنون قدرت خرید کارگران به‌شدت کاهش یافته است، از سوی دیگر، حتی کارفرمایان بخش خصوصی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. نبود نقدینگی، فقدان بازار فروش، کمبود یا تحریم مواد اولیه، قدرت مانور و تولید را به حداقل رسانده است. در چنین شرایطی است که کارشناسان بر ضرورت نقش بازی کردن دولت در تامین بخشی از عقب‌ماندگی‌ها تاکید دارند که البته این هم خود با مشکلات اعتباری مواجه است. دولت باید تدبیری اساسی برای اقتصاد ایران در دستور کار خود قرار دهد و منابع درخور و مناسبی برای کارفرمایان تدارک ببیند تا آن‌ها



۱۱۱۱۱

## غفلت از سوبه‌های اجتماعی مزد

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که گروه‌های کارگری در مسائل مربوط به دستمزد به آن باور دارند این است که عمده نگاه‌ها به مسئله مزد صرفا اقتصادی است و حتی در قانون کار به‌مثابه یکی از متریقی‌ترین قوانین که بسیاری از احکام آن هم اجرا نمی‌شود، چنین نقصانی دیده می‌شود. ماده ۱۶۷ قانون کار که ترکیب شورای عالی کار را مشخص می‌کند، شاهد خوبی بر این ادعاست. در این ماده گفته شده شورای عالی کار متشکل از سه نفر نماینده کارگر، سه نفر نماینده کارفرما، وزیر کار و دو نفر دیگر هم افرادی بصیر، مطلع در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی به انتخاب وزیر کار و تایید هیئت دولت باشد. در عمل این اتفاق افتاده که دولت‌ها کرسی بی‌طرفی‌شان در شورای عالی کار را که قرار بوده به افراد کارشناس و خبره اقتصادی و اجتماعی اختصاص داده شود، به نفع خود مصادره کرده‌اند، یعنی حتی در گفت‌وگوهای رایج طرفین کارگر و کارفرما و حتی در رسانه‌ها، از عبارت «نمایندگان دولت» استفاده می‌شود. این در حالی است که قانون کار در ماده ۱۶۷ نماینده‌ای برای دولت برای شرکت در جلسات شورای عالی کار در نظر نگرفته است. هدف قانون‌گذار از پیش‌بینی حضور افراد آگاه به مسائل اجتماعی و اقتصادی در ترکیب شورای عالی کار این بوده که موازنه در چانه‌زنی‌های مزدی برقرار شود. به عبارت بهتر، غفلت از جنبه‌های اجتماعی دستمزد به آسیب‌های متعدد اجتماعی ختم شده که ریشه اکثر آن‌ها مسئله دستمزد است. اگر نگاهی به سرانه اقلام ضروری خانوارها ببیند ازیم با تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر معیشت مردم را در نظر بگیریم، متوجه ابعاد اجتماعی و اقتصادی موضوع می‌شویم. برای نمونه، سرانه مصرف شیر به‌عنوان یکی از ضروری‌ترین مایحتاج زندگی، داده‌های تامل‌برانگیزی دارد. در سال ۸۴ سرانه مصرف این ماده غذایی ۲۱۳ کیلوگرم در سال بوده که بعد از تکانه‌های ارزی سال ۹۱ و سقوط آزاد قدرت خرید مردم، سرانه مصرف شیر به ۱۳۰ کیلوگرم کاهش یافت. جالب این است که تا قبل از سال ۹۱، ضریب پوشش دستمزد نسبت به هزینه‌های زندگی حدود ۶۳ درصد بوده، اما با نوسانات اقتصادی این سال، شاخص یادشده به ۲۷ درصد کاهش یافت. طی سال‌های ۹۲ تا ابتدای سال ۹۷ با کوشش‌هایی که در شورای عالی کار صورت گرفته بود، مجددا ضریب پوشش دستمزد نسبت به هزینه‌های زندگی با ۱۳ درصد رشد به ۵۰/۸ درصد رسیده بود که با اتفاقاتی که امسال در عرصه اقتصاد رخ داده، طبق آخرین داده‌های استخراج شده در بهمن‌ماه، ضریب پوشش به ۴/۴۷ درصد کاهش یافته است. یعنی وضع کارگران در یک سال اخیر حتی نسبت به سال ۹۱ نیز بدتر شده است. اثرات این کاهش قدرت خرید را می‌توان در کاهش سرانه مصرف شیر هم ملاحظه کرد که براساس آمارها به کمتر از ۸۸ کیلوگرم رسیده است. این اعداد و ارقام نشان می‌دهد هر قدر قدرت خرید مردم به‌خصوص قدرت خرید خانوار کارگری سقوط می‌کند، خرید یکی از ضروری‌ترین مایحتاج خانوارها نیز کاهش می‌یابد. در ابعاد کلان اقتصادی هم این کاهش تاثیر به‌مزن‌له از بین رفتن و نابودی زنجیره‌ای از اشتغال در حوزه لبنیات و دامداری و... است. از طرف دیگر، در حوزه اجتماعی نیز همین کاهش مصرف شیر در میان خانوارها زنگ‌های هشدار را به صدا درمی‌آورد. آیا این به‌مزن‌له شیوع بیماری‌های مهلک و خطرناکی مانند سوءتغذیه، کمبود پروتئین، پوکی استخوان و ده‌ها بیماری مرتبط دیگر طی سال‌های آینده نیست؟ آیا کسی می‌داند سازمان تامین اجتماعی در سال‌های آینده چقدر باید برای درمان پوکی استخوان یا کمبود کلسیم در میان نیروهای کار و تولید هزینه کند؟

ادامه در صفحه ۲۸